

دزدیدن عروس

یکی از آیینهایی که می توان گمان برد بازمانده ای از کلانهای (clan) زنانه باشد آیین دزدیدن عروس یا وانموداری به دزدیدن عروس است. آنچه که امروزه از برگزاری این آیین بر جا ست به گونه بازی می ماند، هر چند گاهی به جنگی راستین می انجامد. یکی از نمونه های برگزاری این آیین در روزگاری دور آن است که نویسنده ناشناس کتاب " حدود العالم من المشرق الی المغرب "، سده سوم هجری، یاد کرده؛ سخن اندر ناحیت دیلمان و شهرهای وی: و رسم این ناحیت چنانست که هر مردی که کنیزکی را دوست گیرد، او را بفربید و ببرد و سه روز بدارد هر چون که خواهد، آنگه بر پدر کنیزک کس فرستد تا او را به زنی به وی دهد .

به هر روی این نمونه ای ست از آیینی که در بسیاری جاهای ایران رواج دارد و می توان آن را باز مانده ای از کلان (Clan) زنانه یا دست کم فرهنگ مادر تباری و زنسالاری دانست. این آیین در میان برخی طایفه های بختیاری نیز همچنان بر جاست. بستگان و دوستان داماد پیش از برگزاری جشن عروسی می کوشند خودش یا چیزی از ابزارهای او را دزدیده به جایی که داماد و خانواده او هستند بیاورند،

بستگان عروس نیز می کوشند و ایستادگی می کنند تا چنین نشود.

در برخی فرهنگهای دیگر نیز آیینی همانند هست:

برای نمونه در اتریش به ویژه در استان نیدر اوسترایش، که دوستان عروس و داماد، عروس را دزدیده، همه به رستورانی رفته به شادخواری و شادنوشی سرگرم می شوند تا داماد بیاید و هزینه خور و نوش ایشان را پرداخته، عروس را "آزاد" کند. این آیین را Braut stehlen (=دزدیدن عروس) می خوانند.

همانگونه که یاد شد این گونه آیینها به روشنی بازمانده روزگار فرهنگ زنسالاری و مادر تباری می نماید که مردان رامگر سالی چند روز به درون کلانهای (Clans) زنان راهی نبود و اگر به جز زمانهای روا داشته، مردی را در کلان زنانه می یافتند می کشتندش.

*عروس را در گویش بختیاری بهیگ (Behig) می گویند که گمان می رود همان واژه باستانی بهگه (Behaga) باشد که پاسدار زناشویی شمرده می شد.

آیین داماد کُشی در میان لکها، که آن هم به گونه بازی برگزار می شود، هم یادمانده ای از همان کلانهای زنانه می نماید.